

گزینش دانش آموزان خلاق در مقطع متوسطه منشا تحول آفرینی آتی در حرفه حسابداری

زهره حاجیها*

چکیده

در سال های اخیر با توجه به بازار کار مطلوب و موقعیت حرفه ای رشته حسابداری دانشجویان رشته حسابداری با پیشینه تحصیلی متفاوتی در دوره دبیرستان وارد این رشته تحصیلی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شده اند. برخی از دانشجویان دارای دیپلم هنرستان و فارغ التحصیل رشته حسابداری بوده و دارای پیشینه ای از آموزش قبلی در حسابداری هستند و گروه دیگر از دبیرستان ها با دیپلم غیر حسابداری فارغ التحصیل شده، وارد این رشته در دانشگاه می شوند. پیشرفت تحصیلی این دانشجویان در رشته حسابداری در دانشگاه ها متفاوت است. از اینرو این تحقیق در حوزه آموزش رشته حسابداری، به بررسی تفاوت پیشینه تحصیلی حسابداری در مقطع متوسطه (به خصوص دیپلم حسابداری و ریاضی فیزیک) بر موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه پرداخته است. جامعه آماری دانشجویان رشته حسابداری در مقطع کاردانی و کارشناسی در ۷ واحد دانشگاهی و نمونه تحقیق به روش نمونه گیری غیر احتمالی و حجم نمونه ۲۹۰ نفر می باشد. نتایج نشان می دهد که

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (قیامدشت)

پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان تفاوت معناداری ندارد. به عبارت دیگر دانشجویانی که با دیپلم حسابداری وارد دانشگاه می گردند دارای عملکرد بهتری نسبت به سایر دانشجویان نیستند. در حالیکه عملکرد دانشجویانی که با دیپلم ریاضی - فیزیک وارد رشته حسابداری شده اند نسبت به سایر رشته ها تفاوت معناداری داشته به عبارت دیگر آنها نسبت به سایرین عملکرد بهتری داشتند. این مساله لزوم تجدید نظر جدی در گزینش دانش آموزانی را در رشته حسابداری که دارای استعداد های کمی و ریاضی بوده و پیش زمینه تفکر خلاق داشته باشند را تاکید می کند. از سوی دیگر حرفه حسابداری نیز باید توجهی بیش از پیش به مقطع متوسطه رشته حسابداری داشته باشد.

واژه های کلیدی: مقطع تحصیلی متوسطه، آموزش رشته حسابداری، حرفه حسابداری، رشته تحصیلی ریاضی فیزیک.

مقدمه

یکی از حیاتی ترین راه های اعتلای هر حرفه ورود دانش آموختگان خلاق، پویا و دارای استعداد های مناسب آن حرفه به دانشگاه ها و تربیت افراد تحصیل کرده ای که متناسب با نیاز های روز حرفه باشند، است. حرفه حسابداری با توجه به نقش دارای اهمیت خود در فضای نوین کسب و کار که فراهم کردن اطلاعات قابل اتکا، مربوط به تصمیم گیری گروه های ذینفع و گزارشگری به موقع این اطلاعات به همه ذینفعان است نیز نیاز به افرادی دارد که با تفکر کمی، منطقی و دارای خلاقیت نیاز های گزارشگری را درک کرده و قادر به پاسخگویی به نیاز های اطلاعاتی تصمیم گیرندگان باشند. اطلاعاتی که این افراد تهیه می کنند از حساسیت بالایی برخوردار است و بعضا در بازار های پولی و مالی باعث انتقال ثروت بین گروه های مختلف گردیده و بنابراین در پیشبرد اهداف اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت نقش موثری دارد.

در سال های اخیر با توجه به بازار کار مطلوب، و موقعیت حرفه ای رشته حسابداری، دانشجویان رشته حسابداری با پیشینه تحصیلی متفاوتی در دوره دبیرستان وارد این رشته تحصیلی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شده اند. بر این اساس برخی از دانشجویان دارای دیپلم هنرستان و فارغ التحصیل رشته حسابداری هستند که این گروه خود به دو بخش فارغ التحصیلان فنی - حرفه ای و کار و دانش تقسیم می گردند و دارای پیشینه ای از آموزش قبلی در حسابداری بوده و تقریبا با دانشی تا سطوح حسابداری میانه وارد دانشگاه ها می گردند و گروه دیگر از دبیرستان ها با دیپلم غیر حسابداری (ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی و حتی فنی حرفه ای سایر رشته ها مثل برق مکانیک و غیره) فارغ التحصیل شده و بدون هیچ پیشینه ای از حسابداری وارد این رشته در دانشگاه می شوند. از آنجایی که پیشرفت تحصیلی این دانشجویان در رشته حسابداری در دانشگاه ها متفاوت است یک سوال منطقی مطرح می گردد و آن اینکه آیا پیشینه تحصیلی حسابداری در مقطع متوسطه بر پیشرفت

تحصیلی این دانشجویان در رشته حسابداری در دانشگاه‌ها تاثیرگذار است یا خیر. و آیا پیشینه سه یا چهار ساله دوره متوسطه می‌تواند بر عملکرد دانشجویان در دانشگاه و موفقیت تحصیلی آنها تاثیر گذارد؟ این تحقیق بدنبال اثبات چنین فرضیاتی است که مبتنی بر این پرسش اصلی شکل گرفته است.

پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا تحقیقات سایر رشته‌ها و سپس تحقیقات انجام شده در حسابداری مرتبط با تحقیق بطور اجمالی مرور می‌گردد.

تحقیقات آموزش در سایر رشته‌ها: در کتاب "چارچوبی برای توسعه تحقیقات آموزش حسابداری" ۱ تالیف ویلیامز و همکاران تحقیقات زیادی در زمینه آموزش به طور عمومی و آموزش خاص رشته حسابداری از محققین مختلف تا قبل از دهه ۹۰ ارائه گردیده که در ادامه به برخی از آنها که در حوزه این تحقیق قرار دارد، اشاره خواهد شد ۲ از جمله: آستین (۱۹۷۷) بیان می‌کند که دو گروه با پیشرفت تحصیلی همبستگی دارند. معیارهای غیر هوشی مرتبط عبارتند از شخصیت، اضطراب، نگرش، عادت، علاقه و شاخص‌های فعالیت. معیارهای هوشی شامل نمره و تست‌های استاندارد می‌باشند. نمرات دوره دبیرستان از نمره آزمون ورودی با ارزشتر است هم چنین میتوان نتیجه گرفت که دانشجویانی که در دبیرستان عملکرد خوبی در یک مهارت داشته‌اند در دانشگاه عملکرد خوبی در همان مهارت خواهند داشت. دانشجویانی که پیشرفت بالایی داشته‌اند با سرعت بیشتری نسبت به دانشجویان کم استعداد پیشرفت می‌کنند. تعدادی عوامل محیطی مانند جنسیت، محل اقامت (داخل

1 A Framwork For the Development Of Accounting Education Research.

2. تحقیقات مورد اشاره از محققین مختلف تا قبل از دهه ۱۹۹۰ در این بخش، از فصول مختلف کتاب زیر استخراج گردیده است:

Williavns , Jan Ro , Hartwell Herring , Mikel Tiller and Yames Scheiner , (1988) , A Framwork For the Development Of Accounting Education Research , Volume No.9.

یا خارج دانشگاه) و قابلیت انتخاب دانشگاه نیز بر اثر سیستماتیک پیشرفت تحصیلی اثر گذارند.

مرانته (۱۹۸۳) مشاهده کرد که بخش زیادی از مطالعات بیانگر سه متغیر - نمرات دبیرستان، امتیازات SAT/ACT^۱ (امتحانات ورودی دانشگاه) و رتبه کلاسی در دبیرستان - هستند که پیش بینی کننده های مناسبی از پیشرفت تحصیلی در دانشگاه می باشند. آدامز، هیگلی و گمپیل (۱۹۷۶) تحلیل رگرسیون را برای مقایسه قدرت پیش بینی ACT و SAT در پیش بینی معدل دانشجویان ترم اول به کار گرفتند. هنگامیکه نمره معدل دبیرستان (GPA) به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می شد، هیچ تفاوتی در ظرفیت ACT نسبت به SAT در پیش بینی نمرات دانشجویان جدیدالورود وجود نداشت.

گاوهال (۱۹۷۵) اطلاعات مربوط به ۱۰۱۴ فارغ التحصیل و ۵۷ ترک تحصیل کرده را طی سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۱ از دانشکده پزشکی دانشگاه کالیفرنیا جمع آوری نمودند. مدلی که بیشترین قدرت پیش بینی را داشت، یک مدل ۶ متغیره از امتیازات کمی (مقداری) بر MCAT^۲ (آزمون ورودی دانشگاه پزشکی)، نمرات پیش دانشگاهی پزشکی برای دو ترم آخر و ۴ مقیاس شخصیتی بود. در مطالعه ای که بر روی دانشجویان رشته مدیریت عمومی در دانشگاه میشیگان غربی انجام شد، تامسون و کوبراک (۱۹۸۳) به منظور تلاش برای پیش بینی نمرات فارغ التحصیلان از یک تحلیل رگرسیون استفاده کردند. با استفاده از متغیرهای مستقل شامل امتیاز آزمون زبان انگلیسی، معدل کل دانشجویان لیسانس، میزان تجربه کار مرتبط و زمانیکه از فارغ التحصیلی دانشجوی می گذرد، محققین فقط قادر به توضیح ۱۶ درصد واریانس در معدل

1 Accepted College Test .

آزمون یک امتحان مکان یابی و پذیرش دانشگاه ها در سطح ملی در ایالات متحده آمریکا است که سالانه بیش از یک میلیون دانش آموز در آن شرکت می کنند.

2 Scholastic Aptitode Test.

آزمون استتاجی و حقوقی SAT یک آزمون استاندارد جهت اخذ پذیرش دانشگاههای آمریکاست.

کل فارغ التحصیلان بودند. کوهن و ترنت بیان می کنند که دانشجویان سیاه پوست در آزمون SAT و آزمون نمره دهی دانشگاه، پائین تر از میانگین بوده اند. این نتایج می تواند به دلیل آموزش های پیش دانشگاهی زیر استاندارد باشد (تامپسون و همکاران، ۱۹۸۴ و کیت و پیچ، ۱۹۸۵).

تحقیقات آموزش حسابداری: داف (2004)، پیش بینی کننده های^۱ عملکرد تحصیلی و پیشرفت آکادمیک را توسط چهار دوره (دو دوره حسابداری سال اول و دو کلاس اقتصاد سال اول) آزمون کرد. پیش بینی کننده ها شامل سن، جنسیت، موفقیت های آکادمیک قبلی، و نگرش و رویکردهای دانشجویان برای مطالعه بودند. آزمودنی ها ۵۳ دانشجو بودند. داف یک همبستگی مثبت بین دانشجویانی که دروس را به طور عمیق و کامل فرا گرفته بوده اند و سن دانشجویان با عملکرد و پیشرفت دانشجویان یافت.

پور و گامی (2005)، روابط میان عملکرد آکادمیک (پیشرفت تحصیلی در دانشگاه)، سبک یادگیری، و جنسیت را آزمون کردند. نمونه دانشجویان سال آخر در یک دانشگاه اسکاتلندی بودند. ۵۰ پرسشنامه تکمیل شده از دانشجویان حسابداری و مالی و ۷۱ مورد از دانشجویان کسب و کار دریافت شد. رابطه معناداری بین رتبه آکادمیک و یادگیری یافت شد. لیزر (۱۹۷۲) یک رابطه مستقیم بین ACT، SAT و آزمون سطح ۲ AICPA (آزمون حسابداران رسمی آمریکا) با نمرات، در آزمون ماه می سال ۱۹۷۰ CPA یافت. یک مطالعه در دانشگاه ایالت ایلینوز (بوئل من ۱۹۷۵) بیان می کند که آزمون سطح ۱ AICPA پیش بینی کننده موفقیت در حسابداری میانه است. ران و هال (۱۹۸۴) یافتند که امتیاز SAT به طور مستقیم با امتیاز آزمون CPA ارتباط دارد، تحلیل رگرسیون آنها همچنین نشان داد که GPA و ساعت های حسابداری به طور معناداری با امتیاز آزمون CPA ارتباط دارند. کروز، اسچیف و ون هیس (1999) بعد از کنترل تجربه کاری حسابداری و اینکه دانشجویان یک دوره حسابداری مقدماتی را

گزینش دانش آموزان خلاق در مقطع متوسطه منشا تحول آفرینی آتی در حرفه حسابداری / ۱۸۵

گرفته اند، دریافتند که GMAT (آزمون ورودی دانشگاه) دارای رابطه معناداری با رتبه دوره بود.

روش شناسی تحقیق

جامعه و نمونه تحقیق

در این تحقیق جامعه آماری دانشجویان رشته حسابداری در مقطع کاردانی و کارشناسی در ۷ دانشگاه به شرح جدول شماره ۱ می باشند.

جدول شماره ۱- مشخصات جامعه و نمونه آماری

درصد خالص	درصد	فراوانی	نام واحد دانشگاهی	ACT
۲۴,۸	۱۷,۶	۷۲	دانشگاه آزاد واحد فلاورجان	معتبر
۲۵,۵	۱۸,۱	۷۴	دانشگاه آزاد واحد قیامدشت	
۱۱,۰	۷,۸	۳۲	دانشگاه آزاد واحد یزد	
۳,۴	۲,۵	۱۰	دانشگاه آزاد واحد ارومیه	
۱۰,۰	۷,۱	۲۹	دانشگاه آزاد واحد کنگاور	
۱۹,۷	۱۴,۰	۵۷	دانشگاه آزاد واحد دماوند	
۵,۵	۳,۹	۱۶	دانشگاه علمی کاربردی	
۱۰۰,۰	۷۱,۱	۲۹۰	کل	
	۲۸,۹	۱۱۸	سیستم	عدم پاسخ
	۱۰۰,۰	۴۰۸		کل

در جدول بالا تعداد آزمودنی های نمونه در مناطق مختلف (۷ دانشگاه) ارائه شده است. بدلیل محدودیت های تحقیق نمونه گیری غیر احتمالی بوده است. دوره زمانی تحقیق، فارغ التحصیلان رشته حسابداری در نیمه اول سال ۱۳۸۷ می باشد.

فرضیه های تحقیق

این تحقیق دارای سه فرضیه به شرح زیر می باشد:

فرضیه اول: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان تفاوت معناداری دارد.

فرضیه دوم: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی _ فیزیک در دبیرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر ریاضی-فیزیک در دبیرستان تفاوت معناداری دارد.

فرضیه سوم: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در سه گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی- فیزیک در دبیرستان و سایر رشته ها تفاوت معناداری دارد.

تعریف عملیاتی متغیرها

با توجه به پیشینه تحقیقات در سایر علوم و همینطور در رشته حسابداری متغیری که به عنوان نماینده پیشرفت تحصیلی دانشجو به ترتیب در مقطع متوسطه و در دانشگاه در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، معدل کل دانشجو در مقطع متوسطه و دانشگاه می باشد.

تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

آمار توصیفی

در جدول شماره ۲ مقطع تحصیلی آزمودنی ها ارائه شده است که ۶۹ درصد در مقطع کاردانی (۲۰۰ نفر) و ۳۱ درصد در مقطع کارشناسی (۹۰ نفر) تحصیل می کنند. این جدول فراوانی متغیرها را نشان می دهد.

جدول شماره ۲- مشخصات مقطع

درصد خالص	درصد	فراوانی		
۶۹,۰	۴۹,۰	۲۰۰	کاردانی	معتبر
۳۱,۰	۲۲,۱	۹۰	کارشناسی	
۱۰۰,۰	۷۱,۱	۲۹۰	کل	
	۲۸,۹	۱۱۸	سیستم	عدم پاسخ
	۱۰۰,۰	۴۰۸		کل

جدول شماره ۳- رشته تحصیلی دیپلم متوسطه تحصیلی آزمودنیها

درصد خالص	درصد	فراوانی	رشته تحصیلی در دبیرستان	
۵۳,۱	۳۷,۷	۱۵۴	حسابداری	معتبر
۸,۶	۶,۱	۲۵	ریاضی	
۱۰,۷	۷,۶	۳۱	تجربی	
۲۵,۲	۱۷,۹	۷۳	انسانی	
۱,۷	۱,۲	۵	امور اداری	
۰,۷	۰,۵	۲	سایر	
۱۰۰,۰	۷۱,۱	۲۹۰		
	۲۸,۹	۱۱۸	سیستم	عدم پاسخ
	۱۰۰,۰	۴۰۸		کل

جدول شماره ۳ جدول یک بعدی مربوط به اطلاعات نمونه را ارائه می دهد. ستون درصد خالص این جدول نشان می دهد که ۵۳,۱٪ آزمودنی های تحقیق (دانشجویان) در دوره دبیرستان (متوسطه) در رشته حسابداری تحصیل کرده اند (۱۵۴ نفر) و مابقی در سایر رشته ها تحصیل نموده اند. دومین فراوانی مربوط به رشته علوم انسانی می

باشد (۲,۲۵٪ یعنی ۷۳ نفر). گروه سایر، دیپلم سایر رشته ها مانند دیپلم فنی برق، مکانیک و غیره می باشد.

در جدول شماره ۴، □ بیانگر تعداد اعضای نمونه در هر یک از دو گروه (دانش آموزان با دیپلم حسابداری یعنی دیپلم هنرستانی و دانش آموزان با دیپلم غیر حسابداری یعنی رشته های دبیرستانی) می باشد. همانطور که در جدول ارائه شده ۱۴۲ نفر از دانشجویان دارای پیشینه حسابداری بوده و ۱۲۸ نفر پیشینه حسابداری نداشتند. انحراف معیار و پراکندگی هر یک از دو گروه نیز ارائه گردیده است.

جدول شماره ۴- آماره های گروه ها

نوع دیپلم	N (تعداد)	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
حسابداری	۱۴۲	۱۵,۱۴۶۷	۱,۰۷۳۰۳۴	۰,۱۴۵۲۱
غیر حسابداری	۱۲۸	۱۵,۱۰۹۳	۱,۸۲۴۱۳	۰,۱۶۱۲۳

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول تحقیق عبارت است از: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان تفاوت معناداری دارد. در این فرضیه متغیر یا مساله تحقیق پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه می باشد که نماینده آن معدل کل دانشجو در دانشگاه است (متغیر وابسته) که در دو گروه مختلف دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان (متغیرهای مستقل تحقیق) مقایسه می گردد. متغیر وابسته دارای سطح اندازه گیری فاصله ای، اما توزیع غیر نرمال

و نمونه گیری غیر تصادفی می باشد (معدل دانشگاه) و سطح اندازه گیری گروه ها نیز اسمی است.

دو گروه با هم همبسته نبوده و تعداد اعضای گروه ها برابر نیست. از اینرو برای آزمون فرضیه نخست، از آزمون های معادل T مستقل (ناپارامتری) آزمون U مان ویت نی^۱ و آزمون کولوگراف - اسمیرنف^۲ استفاده می شود. جدول زیر نتایج آزمون ها را ارائه می دهد.

جدول شماره ۵- نتایج آزمون مان ویتنی

معدل دانشگاه	مقدار آزمون
۸۸۱۴,۰۰۰	مقدار U مان ویتنی
۱۷۰۷۰,۰۰۰۰	مقدار W ویلکاکسون
-۰,۴۲۸	Z
۰,۶۶۸	سطح معناداری (آزمون دو دامنه)

متغیر گروه بندی: نوع دیپلم (حسابداری و غیر حسابداری)

جدول شماره ۶- نتایج آزمون کولوگراف - اسمیرنف

معدل دانشگاه	مقدار آزمون	
۰,۰۷۷	مطلق	بیشترین دامنه تفاوت ها
۰,۰۵۳	مثبت	
- ۰,۰۷۷	منفی	
۰,۶۳۴		مقدار Z کولوگراف - اسمیرنف
۰,۸۱۷		سطح معناداری (آزمون دو دامنه)

متغیر گروه بندی: نوع دیپلم (حسابداری و غیر حسابداری)

1 Mann - Whitneyv.

2 Kolmogorov - Smirnov

همانطور که ملاحظه می شود در سطح اطمینان ۹۵٪، میزان U مان ویت نی برابر ۰,۴۲۸ - و سطح معناداری برابر ۰,۶۶ و بالای ۵٪ بوده، بنابراین تفاوت دو گروه معنادار نیست و فرضیه تحقیق رد می شود. بر مبنای آزمون کولوگراف - اسمیرنف نیز مقدار Z برابر ۰,۶۳۴ و سطح معناداری ۰,۸۱۷ بوده یعنی بیش از ۵٪ است که فرضیه تحقیق بار دیگر رد می شود. به عبارت دیگر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان تفاوت معناداری ندارد.

فرضیه دوم تحقیق: عبارت است از: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی - فیزیک در دبیرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر ریاضی در دبیرستان تفاوت معناداری دارد. برای آزمون این فرضیه نیز از آزمون های معادل T مستقل (ناپارامتری)، آزمون U مان ویت نی استفاده شده است. جدول زیر نتایج آزمون ها را ارائه می دهد. در این جدول مقدار Z برابر ۰,۲۲۷- و سطح معناداری ۰,۰۲ یعنی زیر ۵٪ است پس در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج آزمون فرضیه تحقیق را تایید می کند یعنی پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی - فیزیک در دبیرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر ریاضی در دبیرستان تفاوت معنادار دارد.

جدول شماره ۷- نتایج آزمون مان ویتنی

معدل دانشگاه	مقدار آزمون
۲۱۲۴,۰۰۰	مقدار U مان ویتنی
۳۲۵۰۵,۰۰۰	مقدار W ویلکاکسون
-۲,۲۷۱	Z
۰,۰۲۳	سطح معناداری (آزمون دو دامنه)

متغیر گروه بندی: نوع دیپلم (ریاضی و سایر رشته ها)

فرضیه سوم تحقیق عبارت است از: پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در سه گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی - فیزیک در دبیرستان و سایر رشته ها تفاوت معناداری دارد.

در این فرضیه چون سه گروه که همبسته نیستند وجود دارد از آزمون هم ارز F مستقل آزمون H کروسکال والیس^۱ استفاده می شود. نتایج در جدول زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۸- نتایج آزمون کروسکال والیس

مقدار آزمون	معدل دانشگاه
مقدار خی دو	۶,۷۰۶
درجه آزادی	۲
سطح معناداری	۰,۰۳۵

متغیر گروه بندی: نوع دیپلم (حسابداری، ریاضی و سایر رشته ها) با توجه به نتایج جدول بالا مقدار آزمون $۶,۷۰۶$ و سطح معناداری $۰,۰۳$ است که چون در سطح اطمینان ۹۵% و خطای کمتر از ۵% می باشد پس فرضیه پژوهشگر تایید می شود. به عبارت دیگر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در سه گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی در دبیرستان و سایر رشته ها تفاوت معنادار دارد.

تحلیل یافته ها و نتیجه گیری

جدول شماره ۹ خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها را ارائه داده است:

جدول شماره ۹- خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها

نتیجه آزمون	فرضیه تحقیق
رد	پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر حسابداری در دبیرستان تفاوت معناداری دارد.
تایید	پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در دو گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی _ فیزیک در دبیرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی غیر ریاضی در دبیرستان تفاوت معناداری دارد.
تایید	پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه در سه گروه دانشجویان با پیشینه تحصیلی حسابداری در هنرستان و دانشجویان با پیشینه تحصیلی ریاضی در دبیرستان و سایر رشته ها تفاوت معناداری دارد.

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه های تحقیق حاکی از آن است که دانشجویانی که با دیپلم حسابداری وارد دانشگاه می گردند دارای عملکرد بهتری نسبت به سایر دانشجویان نیستند. این نتیجه دور از انتظار بوده و توسط ادبیات تحقیق نیز تایید نمی گردد. یک دلیل می تواند این باشد که در هنگام ورود دانش آموزان به دبیرستان برای انتخاب رشته، رشته حسابداری جزو رشته های طراز اول محسوب نمی شود و دانش آموزانی که تراز نمرات بالایی ندارند و نمی توانند برای تحصیل وارد دبیرستان شوند به هنرستان و رشته حسابداری روی می آورند. لذا دانش آموزان این رشته در مقطع متوسطه جزو شایسته ترین و بهترین دانش آموزان نیستند. از اینرو استمرار چنین وضعیتی در دانشگاه نیز دور از ذهن نخواهد بود. این تفاوت در شایستگی ها تا آنجاست که تاثیر پیشینه آموزشی آنها در رشته حسابداری را کمرنگ کرده و سایر دانشجویان بدون هیچ آشنایی قبلی با حسابداری گوی سبقت را از آنان می ربایند. در حالی که در مورد رشته ریاضی وضعیت درست عکس این است. از سوی دیگر آزمون فرضیه دوم اهمیت استعداد ریاضی و ذهنیت کمی و خلاق را برای موفقیت تحصیلی

در رشته حسابداری تایید می کند. این نتایج لزوم و ضرورت توجه حرفه حسابداری و مسئولین برنامه ریزی درسی و تعیین معیارهای گزینش دانش آموز در رشته حسابداری کشور را به مقطع متوسطه یعنی پیش از تحصیلات آکادمیک برمی انگیزد. دانش آموزان واجدالشرایط برای ورود به رشته حسابداری باید دارای سطوح لازم از دانش ریاضی و ذهنیت کمی و خلاق باشند و استعداد و خلاقیت کمی لازم برای رشته حسابداری را داشته باشند.

حرفه حسابداری نیز می باید نسبت به مقطع متوسطه چون تحصیلات دانشگاهی حساس باشد. خواسته یا ناخواسته این مقطع تحصیلی دانش آموختگانی در سطوح مقدماتی و میانی حسابداری تحویل جامعه و حرفه حسابداری می دهد بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود که با توجه به جذابیت کاری بالای این رشته بهترین دانش آموزان انتخاب حسابداری را جزو اولویت اول خود قرار دهند تا دانشجویانی که با پیشینه تحصیلی حسابداری وارد دانشگاه می شوند پیشرفت تحصیلی مطلوب داشته باشند و باعث اعتلای حرفه حسابداری شوند. از سوی دیگر دیپلم رشته حسابداری جزو معدود رشته هایی است که دارای بازار کار مطلوب و مرتبط بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی از مقطع متوسطه می باشد و حسابداران سطوح مقدماتی و میانی را تربیت کرده و تحویل حرفه حسابداری، بازار کار حسابداری و دانشگاه ها می دهد. از اینرو توجه به این مقطع تحصیلی از اهمیت در خوری برخوردار است.

منابع و ماخذ

Apostolou, B. F. Watson, John M. Hassell, Sally A. Webber (2001) "Main Article Accounting Education Literature Review (1997-1999)", *Journal of Accounting Education*, 19 1-61.

Chia, Y. M. (2005) "Job Offers of Multi-National Accounting Firms: The Effects of Emotional Intelligence, Extracurricular

Activities, and Academic Performance" *Accounting Education*, 14(1), 75–93.

DeLange, P., & (2004) Mavondo, F. "Gender and Motivational Differences in Approaches to Learning by a Cohort of Open Learning Students" *Accounting Education*, 13(4), 431–448.

Duff, A. (2004) "Understanding Academic Performance and Progression of First-year Accounting and Business Economics Undergraduates: The Role of Approaches to Learning and Prior Academic Achievement" *Accounting Education*, 13(4), 409–430.

Jackling, B. (2005) "Perceptions of the Learning Context and Learning Approaches: Implications for Quality Learning Outcomes in Accounting" *Accounting Education*, 14(3), 271–291.

Krausz, J., Schiff, A. I., Schiff, J. B., & VanHise, J. (1999) "The Effects of Prior Accounting Work Experience and Education on Performance in the Initial Graduate-level Accounting Course" *Issues in Accounting Education*, 14(1), 1–9.

Paver, B., & Gammie, E. (2005) "Constructed Gender, Approach to Learning and Academic Performance" *Accounting Education*, 14(4), 427–444.

Ramburuth, P., & Mladenovic, R. (2004) "Exploring the Relationship between Students' Orientations to Learning, The Structure of Students' Learning Outcomes and Subsequent Academic Performance" *Accounting Education*, 13(4), 507–527.

Watson, S. Barbara Apostolou, John M. Hassell, Sally A. Webber (2007) "Main Articles Accounting Education Literature Review (2003–2005)" *Journal of Accounting Education*, 25 1–58.

Williams, Jan R., Hartwell Herring, Mikel Tiller and James Scheiner, (1988) "A Framework for the Development of Accounting", *Education Research*, Volume No. 9.

The Selection of Creative Students in High School, The Origin of the Creation of Evolution within Accounting Profession

Zohre hajiha¹

Abstract

In recent years ,because of proper work market and professional position of accounting major, accounting students with different education backgrounds in high school have entered to universities and academic centers to study accounting. Some students have vocation diploma and are graduated from accounting degree and have prior accounting background and others enter to universities from high school. The academic performance of these students in accounting in the university is different. Thus, this study in the field of accounting education is to investigate the effect of differences in accounting education background in diploma (high school) phase (specially accounting diploma and math diploma in high school) on academic performance of the students in university. Statistical population is accounting students in bachelor and technician in 7academic center and the method of sampling is non random sampling and the number of sample is 290. The results show that academic performance of accounting students with accounting background and non accounting background in high school do not have significant differences. In the other hand, the students whit accounting diploma that enter to universities do not have better academic performance rather than other students. While academic performance of students that have math diploma and enter to universities to study accounting have significant differences rather than others. In the other hand, they have the best academic performance. Therefore, it is required to select students that have quantitative and mathematical skills and talents and creative thinking. Hence, accounting profession also must pay more attention to accounting field in high school phase.

Keywords : High School Education Phase, Education of Accounting Field, Accounting Profession, Math Diploma.

¹ Academic member of East Branch of Islamic Azad University (Ghiamdasth)